

❖ اشکال اول مرحوم عراقی:

«و منها عدم تصور جریان النزاع المعروف فی المشتق فی انه للأعمّ أو المتلبس الفعلی علی هذا القول من جهة عدم تصور الانقضاء فيه كما سیأتی بیانہ إن شاء الله تعالی.»^۱

توضیح:

اگر فرق بین مشتق و مبده به لا بشرطیت و بشرط لائیت است، دیگر نزاع معروف - که مشتق برای اعم وضع شده و یا برای متلبس - در آن جاری نخواهد بود چراکه اگر مشتق همان مبده است (اگر لا بشرط باشد)، دیگر پس بعد از انقضاء مبده، معنی ندارد که مشتق جاری باشد.

ما می گوییم:

قبلاً گفتیم که مرحوم نائینی قول به وضع برای متلبس یا برای اعم را بر قول به بساطت مبتنی کرده است و جواب دادیم که چنین ابتدایی را قبول نداریم. اما باید توجه داشت که اگر بساطت را به نحو لا بشرطیت گرفتیم، میتوان به چنین ابتدایی قائل شد.

❖ اشکال دوم مرحوم عراقی:

مرحوم عراقی در مقام اشکال دوم، مقدمه می فرمایند:

«ما هو المصحح للحمل فی الحقیقة بعینه هو المصحح فی صورة وقوع الأوصاف موضوعاً للأحكام، و ذلك لما یرى بالوجدان من عدم الفرق بین صورة جعل تلك الأوصاف موضوعاً للأحكام فی القضايا و بین صورة جعلها محمولاً فیها، و ان ما هو المحمول فی مثل زید ضارب بعینه هو الموضوع للحکم فی مثل قوله: أطمع الضارب، من دون رعاية عناية فی البین أصلاً.»^۲

توضیح:

۱. آنچه باعث می شود که اگر یک مشتق محمول واقع شود، حمل صحیح باشد، همان چیزی است که باعث می شود که اگر مشتق موضوع باشد هم حمل صحیح باشد.
۲. چراکه فرقی بین مشتق و معنایی که از آن می فهمیم (در وقتی که موضوع واقع می شود با جایی که محمول واقع می شود) نیست.

و بر این مطلب اشکال خود را مبتنی کرده و می نویسند:

«فان لحاظ المبدأ بالعنوان اللابشرطی لو كان یجدی فانما هو بالنسبة إلى مقام الحمل لا فی مقام إضافة الأحكام

۱. نهاية الأفكار، ج ۱ ص ۱۴۴

۲. نهاية الأفكار، ج ۱ ص ۱۴۵



المزبورة إليه من نحو قولك: أكرم العالم و أطمع العالم و النظر إلى وجه العالم عبادة و إلى باب داره عبادة، و ذلك من جهة وضوح أنّ ما هو الموضوع للأحكام المزبورة في مقام النسبة الحكمية ليس إلا نفس الذات دون المبدأ و ان لوحظ كونه بالعنوان اللابشرطي الف مرة كما هو واضح.»^۱

توضیح:

۱. عنوان لا بشرطي اگر بتواند در مشتق به کار آید، در صورتی به کارگیری مشتق را تصحیح می کند که مشتق محمول باشد [چراکه وقتی می گوئیم زید عالم، در حقیقت از عالم، مرادمان «علم + حمل بر زید» است]
۲. ولی اگر مشتق موضوع واقع شود مثل «اکرم العالم» در این صورت لحاظ لا بشرطي نمی تواند مصحح جمله باشد چراکه مراد ما از این جمله آن نیست که باید علم را اکرام کرد، بلکه مراد آن است که باید ذات زید را اکرام کرد.

قول صاحب فصول (قول مشهور)

مرحوم صاحب فصول، قول مشهور را پذیرفته است ولی برای سخن خویش استدلال مخصوصی دارد. حضرت امام نظر صاحب فصول را مطرح می کنند و می نویسند:

«قال في الفصول - ردّاً على من ذهب إلى أنّ الفرق بين المشتقّ و مبدئه هو الفرق بين الشيء لا بشرط و بينه بشرط لا - ما حاصله: إنّ الحمل يتقوم بمغايرة باعتبار الذهن في لحاظ الحمل، و اتّحاد باعتبار ظرف الحمل من ذهن أو خارج، ثمّ التغاير قد يكون اعتبارياً و الاتّحاد حقيقياً، و قد يكون حقيقياً و الاتّحاد اعتبارياً، فلا بدّ فيه من أخذ المجموع من حيث المجموع شيئاً واحداً، و أخذ الأجزاء لا بشرط، و اعتبار الحمل بالنسبة إلى المجموع حتّى يصحّ الحمل، و العرّض لما كان مغايراً لموضوعه فلا بدّ في حمله عليه من الاتّحاد على النحو المذكور، مع أنّا نرى بالوجدان عدم اعتبار المجموع من حيث المجموع، بل الموضوع المأخوذ هو ذات الأشياء. فيتّضح من ذلك، أنّ الحمل فيها لأجل اتّحاد حقيقى بين المشتقّ و الذات، فلا بدّ أن يكون المشتقّ دالاً على أمر قابل للحمل، و هو عنوان انتزاعى من الذات بلحاظ التلبّس بالمبدأ، فيكون المشتقّ مساوفاً لقولنا: ذى كذا و لذا يصحّ الحمل. انتهى بتوضيح و تلخيص منّا.»^۲

توضیح:

۱. صاحب فصول در ردّ قول میر سید شریف (اینکه فرق مشتق و مبدء، فرق لا بشرطیت و بشرط لاییت است) می گوید:

۱. نهاية الأفكار، ج ۱ ص ۱۴۵

۲. مناهج الوصول، ج ۱، صفحه ۲۲۸



۲. در حمل لازم است بین موضوع و محمول مغایرت ماهوی و اتحاد مصداقی باشد، یعنی در افق ذهن که مفاهیم را لحاظ می‌کنیم، تفاوت بین آنها باشد و در ظرف حمل، متحد باشند (اگر ظرف حمل خارج است، در خارج موضوع و محمول به یک وجود موجود باشند و اگر ظرف حمل ذهن است، موضوع و محمول یک شیء لحاظ شوند)

